

[توضیح بیشتر اشکال محقق عراقی به مرحوم نائینی 2](#_Toc501687400)

[نقد استاد به محقق عراقی 2](#_Toc501687401)

[الف. اشکال حلی: خلط بین لحاظ تفصیلی و اجمالیِ ساعتِ ملاقات 2](#_Toc501687402)

[ب. اشکال نقضی: جریان براءۀ در عنوان اجمالی در اطراف علم اجمالی 3](#_Toc501687403)

[عدم جریان شبهه استصحاب فرد مردد در مورد بحث 5](#_Toc501687404)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در قسم چهارمِ حادثین مجهول التاریخ بود که اثر برای عدم حادثی نسبت به حادث دیگر بود.

طبق تقریب مرحوم نائینی، کلام مرحوم آخوند این بود که به خاطر عدم احراز اتصال زمان شک و یقین، استصحاب جاری نیست.

مرحوم آقا ضیاء تقریب دیگری را برای کلام مرحوم آخوند ارائه کرده اند، لکن به همین تقریب مرحوم نائینی از کفایه نیز اشکال کرده اند. لازم به ذکر است که مرحوم اصفهانی هم همین تقریب و اشکالی که مرحوم نائینی داشته اند، بیان کرده اند.

اشکال مرحوم نائینی به مرحوم آخوند این بود که استصحاب در مورد بحث، مبتلا به اشکال مذکور در بحث استصحاب فرد مردد نمی باشد. اگر چه در مثال استصحاب عدم کریت، ملاقات مردد بین ساعت دوم و سوم بوده، لکن این استصحاب به لحاظ عمود زمان جاری نمی شود، بلکه به لحاظ حادث دیگر جاری می­شود.

عدم کریت در ساعت دوم یا سوم موضوع اثر شرعی نیست، بلکه عدم کریت در ساعت ملاقات موضوع اثر است. باید توجه داشت که ملاقات به عنوان ملاقات، مورد نظر نیست، بلکه ملاقات به عنوان مشیر به یک زمان، مورد نظر است که عدم کریت به لحاظ آن ظرف زمانی، استصحاب می شود و به دنبال آن، تقارن زمانی اثبات می شود.

پس استصحاب عدم کریت در واقعِ ساعت ملاقات جاری می شود، نه در ساعت مقید به ملاقات و نه در ساعت تفصیلی دوم یا سوم که عمود زمان است.

توضیح بیشتر اشکال محقق عراقی به مرحوم نائینی

اشکال مرحوم آقا ضیاء هم به مرحوم نائینی این بود که عدم کریت یا تا ساعت دوم استصحاب می شود و یا تا ساعت سوم. عدم کریت تا ساعت دوم، معلوم نیست که موضوع حکم شرعی باشد؛ چون که موضوع حکم شرعی مرکب از عدم کریت و تحقق الملاقات است و از طرفی در ساعت دوم، تحقق ملاقات معلوم نیست. ساعت دوم، صرفا محتمل الانطباق بر موضوع حکم شرعی است. عدم کریت تا ساعت سوم هم قابل استصحاب نیست؛ چون که علم به انتقاض وجود دارد.

این بیان ایشان در حاشیه فوائد الاصول است. [[1]](#footnote-1) ایشان در نهایۀ الافکار[[2]](#footnote-2) این بیان را توضیح بیشتری داده و فرموده اند: عدم کریت مستصحبه نسبت به واقع زمان ملاقات موضوع حکم است. تردّد واقعِ زمان ملاقات بین ساعت دوم و سوم، سبب می شود که عدم الکریت، مردد بین دو فرد قابل استصحاب و غیر قابل استصحاب شود. ساعت دوم معلوم نیست که موضوع اثر شرعی باشد و ساعت سوم هم به خاطر تحقق انتقاض، قابل استصحاب نیست.

ایشان در ادامه فرموده اند: استصحاب فقط می تواند استمرار را اثبات کند و اثبات تقارن، خارج از مفاد آن می­باشد. مشکل استصحاب در مورد بحث نیز این است که قرار است، به وسیله این استصحاب، تقارن بین عدم کریت و ملاقات هم اثبات شود، در حالی که این مطلب، خارج از مفاد دلیل استصحاب است. البته در صورتی که ساعت ملاقات معلوم باشد، بعد از استصحاب، تقارن وجدانا محرز می شود. در مورد بحث که حادثان مجهول التاریخ است، اثبات تقارن به وسیله استصحاب، صحیح نیست، لذا استصحاب جاری نیست.

نقد استاد به محقق عراقی

الف. اشکال حلی: خلط بین لحاظ تفصیلی و اجمالیِ ساعتِ ملاقات

مرحوم نائینی در مقام، به وسیله استصحاب فقط به دنبال اثباتِ استمرار هستند. تقارن به وسیله وجدان اثبات می شود، نه بر اساس استصحاب. این مورد، مثل موردی است که احد الحادثین معلوم التاریخ است. همان طور که در آن جا با استصحاب، استمرارِ تا زمان حادثِ معلوم التاریخ اثبات شده و تقارن هم بالوجدان اثبات می­شود، در مجهول التاریخ (مثل مورد بحث) هم با استصحاب عدم کریت تا زمان ملاقات، استمرار تا زمان ملاقات اثبات شده و تقارن هم بالوجدان اثبات می شود. البته همان طور که گذشت، عنوان زمان ملاقات، مشیر به زمان متعین در واقع است، نه این که ملاقات قید برای زمان باشد. تردد زمان ملاقات هم صرفا منشأ این می شود که شک در تحقق استمرار در خارج کنیم. اگر واقعِ زمان ملاقات، ساعت دوم باشد، استمرار محقق است و اگر ساعت سوم باشد، استمرار محقق نیست و انتقاض رخ داده است.

هنر استصحاب این است که هر کجا شک در استمرار باشد، استمرار را اثبات کند و در مورد بحث نیز به خاطر احتمال تحقق ملاقات در ساعت دوم، احتمال استمرار داده می شود و شک در استمرار وجود دارد.

البته این اشکالی که ما به مرحوم آقا ضیاء وارد کردیم، ایشان به شکل لایقال، ذکر نموده اند، لکن جواب درستی از آن نداده اند.

پس اشکال ما به محقق عراقی این شد که ما احتمال استمرار و نیز احتمال انتقاض را می دهیم و هنر استصحاب هم همین است که در این مواردِ شک در بقاء، تعبد به استمرار می دهد.

ایشان به این اشکال این طور جواب داده اند: اگر عدم کریت را می خواهید از باب اتصالِ مجموع ساعت دوم و سوم، مستمر فرض کنید و استصحاب را جاری کنید این اشکال وجود دارد که امر ملاقات مردد بین ساعت دوم و سوم است. استصحاب به لحاظ عمود زمان جاری نمی شود، بلکه به لحاظ ساعت الملاقات جاری می شود و این ساعت مردد بین دو ساعتی است که نسبت به یکی (ساعت دوم) محتمل الانطباق است و اصل ملاقات، مشکوک است و نسبت به دیگری (ساعت سوم) هم علم به انتقاض وجود دارد.

همان طور که می بینیم ایشان همان کلام قبلی را در این جا تکرار کرده اند و خلط ایشان این است که استصحاب را به لحاظ زمان تفصیلی دوم و سوم، جاری کرده اند، در حالی که مرحوم نائینی به لحاظ ساعت اجمالی (ساعت الکریۀ) جاری کرده اند. مرحوم نائینی فرمودند که بین عدم کریت ساعت دوم و ساعت اجمالی ملاقات، علم به انتقاض وجود ندارد. تنها چیزی هم که در استصحاب نیاز است، عدم علم به تخلل، بین زمان شک و یقین است. مرحوم نائینی، ساعت الملاقاتِ اجمالی را در نظر گرفته است و طبق این لحاظ، علم به انتقاض وجود ندارد. اگر همین ساعت ملاقات را به لحاظ زمان تفصیلی، در نظر بگیریم، این اشکال محقق عراقی پیش می آید که ساعت ملاقات مردد بین ساعت دوم (که در آن ساعت، علم به تحقق ملاقات نیست.) و بین ساعت سوم (که در آن، علم به انتقاض وجود دارد) می باشد و در هر دو مورد، جریان استصحاب، اشکال دارد.

ب. اشکال نقضی: جریان براءۀ در عنوان اجمالی در اطراف علم اجمالی

اصول عملیه به لحاظ عناوینی که مورد توجه قرار می گیرد باید بررسی شود که مجرا دارد یا نه. گاهی اوقات اصل عملی به لحاظ یک عنوان مجرا ندارد، ولی به لحاظ عنوان دیگر، مجرا دارد.

مرحوم آقا ضیاء در بحث علم اجمالی مبنایشان این است که تأثیر علم اجمالی در تنجیز، حتی در وجوب موافقت قطعیه، به نحو علیت تامه است. این نظر ایشان بر خلاف مرحوم شیخ است که قائل به علیت تامه در مورد حرمت مخالفت قطعیه، و اقتضاء در مورد وجوب موافقت قطعیه بودند.

ایشان به مشهور که قائل به اقتضای علم اجمالی نسبت به وجوب موافقت قطعیه هستند، اشکال کرده بود که مشهور در موارد علم اجمالی و نبود دلیل بر جواز ارتکارب بعض اطراف، نباید قائل به وجوب موافقت قطعیه شوند؛ چرا که دلیل براءۀ، ترخیص بعض اطراف را درست می کند. نظر مشهور این است که تطبیق (رفع ما لا یعلمون) بر یک طرف شبهه، ترجیح بلا مرجح و بر هر دو طرف، ترخیص در مخالفت قطعیه است. پس تعارض و تساقط می کنند. ایشان فرموده اند که می توان عنوانِ (احدهما به شرط تحرز از دیگری) را درست کرد و براءۀ را در مورد آن، اجرا کرد تا مشکلی پیش نیاید. هیچ یک از محذور ترخیص در مخالفت قطعیه و ترجیح بلا مرجح در این صورت، پدید نمی آید.

پس به نظر مرحوم آقا ضیاء، طبق مبنای خودشان که علم اجمالی علت تامه برای وجوب موافقت قطعیه است، ارتکاب بعض اطراف علم اجمالی جایز نیست و طبق نظر مشهور که علم اجمالی، مقتضی وجوب موافقت قطعیه است، ارتکاب بعض اطراف جایز است؛ چرا که براءۀ در عنوانِ (احدهما به شرط تحرز از دیگری) جاری می شود.

مشهور معتقد بودند که جریان براءۀ در عنوان تفصیلی اناء سمت راست یا چپ، معارض با جریان براءۀ در عنوان تفصیلی طرف دیگر است. محقق عراقی این تذکر را به مشهور داد که می توان به جای براءۀ در عنوان تفصیلی، در عنوان اجمالیِ (احدهما بشرط تحرز از دیگری) جاری کرد.

حال در مورد بحث، همین نکته را به محقق عراقی متذکر می شویم که می توان به جای اجرای استصحاب عدم کریت در عنوان تفصیلی ساعت دوم یا سوم، استصحاب را در عنوان اجمالی زمان الملاقات جاری کرد. اگر این عنوان را در نظر بگیریم، می توانیم با جزم بگوییم که از عدم کریتِ ساعت اول تا زمان الملاقات، قطع به تخلل کریت نداریم.

مانع جریان استصحاب، انتقاض واقعی نیست، بلکه علم به انتقاض است و در مورد بحث هم بین زمان متیقن (ساعت اول) و زمان مشکوک (ساعت ملاقات)، علم به انتقاض نداریم.

با توجه به این استصحاب، تقارن ملاقات و عدم کریت وجدانا اثبات می شود. در اثبات وجدانی مقارنت، فرقی بین عنوان تفصیلی و اجمالی نیست. برای مثال در مورد نماز که شک در طهارت داریم، استصحاب طهارت تا زمان نماز که مشخص است و عنوان تفصیلی دارد (مثل ساعت دوازده)، اثبات وجدانی مقارنت را می کند. در مورد بحث نیز، استصحاب عدم کریت تا واقع زمانِ ملاقات که عنوان اجمالی است، اثبات وجدانی مقارنت را می کند.

توجه کنید که تقارن به نحو ترکیب، شرط شده است.

عدم جریان شبهه استصحاب فرد مردد در مورد بحث

ان قلت: برخی از دوستان، استصحاب در مورد بحث را استصحاب در فرد مردد دانسته اند و صحت جریان آن را مبتنی بر قبول داشتن استصحاب در فرد مردد دانسته اند. پس همان بیانی که استصحاب در فرد مردد در مثل شبهه عبائیه را رد می کرد، در مانحن فیه هم استصحاب عدم کریت را رد می کند. ساعت الملاقات مردد بین ساعت دوم و سوم است.

قلت: ایشان غفلت کرده اند از این که ما تابع دلیل هستیم، نه عنوان. وجه عدم جریان استصحاب در فرد مردد در مثل شبهه عبائیه این بود که موضوع در فرض شک، محفوظ نیست. علم اجمالی به نجاست سمت راست یا چپ عبا داشته ایم. بعد از اصابه دست با سمت غیر مغسول، استصحاب نجاست نمی تواند اثبات نجاست دست را کند؛ چرا که هم اکنون شک در نجاست سمت غیر مغسول (مثلا خصوص سمت چپ) داریم، در حالی که متیقن عبارتست از نجاست یکی از دو طرف راست یا چپ. پس مشکوک غیر از متیقن است. شک ما در نجاست یکی از دو طرف راست یا چپ نیست.

در مورد بحث هم اگر چه ساعت ملاقات، مردد بین دو ساعت است، لکن درست است که بگوییم همان عدم کریت متیقنه، احتمال استمرار دارد.

مشکل ما در فرد مردد این بود که موضوع محفوظ نبود، ولی در مورد بحث، احتمال استمرار عدم کریت ساعت اول وجود دارد. بله، اگر بخواهد عدم کریت باقی باشد، باید ملاقات در ساعت دوم محقق شده باشد، ولی ملاقات در ساعت دوم، برای ما موضوع اثر نیست. پس استصحاب در همان عدم کریت معلومه، جاری می شود.

پس شبهه استصحاب در فرد مردد که مرحوم آخوند را به اشتباه انداخت در مورد بحث جا ندارد و حق با مرحوم نائینی است و استصحاب مقتضی دارد و نهایت این است که مبتلا به معارض است.

1. [فوائد الاصول، محقق نایینی (ابوالقاسم خویی)، ج4، ص519.](http://lib.eshia.ir/13102/4/519/أقول) [↑](#footnote-ref-1)
2. [نهایه الافکار، آقا ضیاء الدین العراقی، ج3، ص196.](http://lib.eshia.ir/13053/3/196/فرق) [↑](#footnote-ref-2)